



Studying Students' Perceptions of Single Life A Comparison of Genders

Zeinab KavehFirouz¹ | Reza Safari Shali² | Zahra Khadem Hosseini³

1. Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: zkaveh@khu.ac.ir

2. Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: reza_safaryshali@khu.ac.ir

3. Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: zahrakhademhosseini@khu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The main purpose of the research is to analyze the gender comparison of students' attitudes toward solitary life and its effective cultural and social factors. The current study is implemented in a quantitative method and is a paradigm and deductive strategy. The questionnaire instrument was employed to gather information and data. A research sample of 300 individuals from Kharazmi University has been selected using Cochran's general formula. Using backup theories, eight social and cultural variables were identified as prospective variables that could influence attitudes toward single life.
Article history: Received: 14 December 2024 Received in revised form: 09 March 2025 Accepted: 16 April 2025 Published online: 20 June 2025	In general, the results of the study indicated that girls have a more negative attitude toward solitary life than boys. In other words, the desire to marry is greater among girls than among boys. The most significant variable with an increased and immediate and predictive and predictive attitude to single life is the adherence to family values, with a beta coefficient of 0.350, in the case of factors affecting the attitude of single life among girls, and individualism variables with a beta coefficient of 0.322 in the case of boys. However, in the model analysis model, other variables demonstrate that adherence to religious doctrines, which includes significant and reducing variables in both groups, is associated with positive attitudes toward biological abstraction. On the other hand, increased use of social networks has a greater impact on the positive tendency to biological abstraction, which suggests a lack or weakness in cultural policy-making.
Keywords: Adherence to Family Values, Gender, Individualism, Social Responsibility, Solitary Life..	Enhancing the quality of life and increasing awareness and skills in the areas of policymaking, strategy, and action by leveraging religious and familial values to fortify all forms of social support.

Cite this article: Kaveh Firouz, Z., Safari Shali, R. & Khadem Hosseini, Z. (2025). Studying Students' Perceptions of Single Life; A Comparison of Genders. *Social Studies and Research in Iran*, 14(2):-283-304.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388792.1578>



Authors retain the copyright and full publishing rights

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388792.1578>



مطالعه نگرش دانشجویان به زندگی مجردی

یک مقایسه جنسیتی

زینب کاوه فیروز^۱ | رضا صفری شالی^۲ | زهرا خادم حسینی^۳^۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: zkaveh@khu.ac.ir^۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: reza_safaryshali@khu.ac.ir^۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: zahrakhademhoseini@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف اصلی این پژوهش، تحلیل جامعه‌شناختی مقایسه جنسیتی نگرش دانشجویان به زندگی مجردی و عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر آن است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۴	پژوهش حاضر در قالب پارادایم اثباتی و با راهبرد قیاسی انجام شده و به لحاظ اجرا کمی (پیمایشی) است. در این مطالعه از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. با مطالعه نظری هشت متغیر اجتماعی و فرهنگی به عنوان متغیرهای احتمالی اثرگذار بر نگرش به زندگی مجردی و با استفاده از فرمول عمومی کوکران، ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه خوارزمی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹	یافته‌ها نشان داد در مجموع دختران نگرش منفی‌تری از پسران به زندگی مجردی دارند و میل به ازدواج در بین دختران بیشتر است. درخصوص عوامل تأثیرگذار بر نگرش به زندگی مجردی در بین دختران، متغیر پایداری به ارزش‌های خانواده با ضریب بتای ۰/۳۵- تأثیر کاهنده و در بین پسران، متغیر فردگرایی با ضریب بتای ۰/۳۲- مهم‌ترین متغیر با تأثیر افزایش‌دهنده بر نگرش به زندگی مجردی هستند. اما در مجموع در مدل تحلیل مسیر سایر متغیرها مشخص شد پایداری به آموزه‌های دینی از متغیرهای مهم و کاهنده در هردو گروه در نگرش مثبت به تجردزیستی است. از طرف دیگر استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی تأثیر افزایش‌دهنده در گرایش مثبت به تجردزیستی دارد و این مهم نشانه ضعف سیاست‌گذاری فرهنگی با هدف تولید محتوای مرتبط در شبکه‌های اجتماعی براساس ارزش‌های دینی و بومی است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۳۰	تقویت انواع حمایت اجتماعی با بهره‌گیری از ارزش‌های دینی و خانوادگی در جهت تشویق به زندگی متأهلی و آگاهی‌سازی در این زمینه در سطوح سیاست‌گذاری، راهبرددردازی و اقدام بسیار مهم است.
کلیدواژه‌ها:	
پایداری به ارزش‌های خانواده،	
جنسیت، زندگی مجردی،	
فردگرایی، مسئولیت‌پذیری	
اجتماعی/	

استناد: کاوه فیروز، زینب؛ صفری شالی، رضا و خادم حسینی، زهرا (۱۴۰۴). مطالعه نگرش دانشجویان به زندگی مجردی یک مقایسه جنسیتی. مطالعات و تحقیقات

اجتماعی در ایران، ۱۴(۲): ۲۸۳-۳۰۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388792.1578>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388792.1578>

۱. مقدمه و بیان مسئله

زندگی مجردی به عنوان مرحله‌ای از زندگی، در جوامع مختلف به‌ویژه در دهه‌های اخیر، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. این پدیده نه تنها بر فرد مجرد تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای نیز دارد. تحلیل جنسیتی نگرش به زندگی مجردی می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای زنان و مردان کمک کند و نقش‌های اجتماعی و فرهنگی را که بر این نگرش‌ها تأثیر دارند، روشن سازد. زندگی مجردی به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد بدون شریک زندگی یا همسر زندگی می‌کند. زندگی مجردی به‌ویژه در جوامع شهری و مدرن به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است (گیدنز، ۲۰۱۷). نگرش به زندگی مجردی به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر جنسیت قرار دارد. زنان و مردان به دلایل مختلفی به زندگی مجردی روی می‌آورند و این انتخاب‌ها می‌تواند تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد. در بسیاری از جوامع، زندگی مجردی برای زنان به‌عنوان یک انتخاب مثبت و نشانه‌ای از استقلال و خودکفایی شناخته می‌شود. با این حال هنوز هم در برخی فرهنگ‌ها زنان مجرد ممکن است با قضاوت‌های منفی و فشارهای اجتماعی مواجه شوند. زنان به‌دلیل تحصیلات بالاتر و فرصت‌های شغلی بیشتر، به تأخیر در ازدواج و انتخاب زندگی مجردی تمایل دارند. در مقابل، زندگی مجردی برای مردان به‌عنوان مرحله‌ای طبیعی از زندگی و فرصتی برای تجربه‌های جدید و آزادی تلقی می‌شود. مردان معمولاً کمتر از زنان تحت فشارهای اجتماعی برای ازدواج قرار دارند و این موضوع می‌تواند بر نگرش آن‌ها به زندگی مجردی تأثیرگذار باشد (سویینی، ۲۰۰۲). عوامل مؤثر بر نگرش‌های جنسیتی شامل استقلال مالی و فرصت‌های شغلی برای زنان به تغییر نگرش آن‌ها به زندگی مجردی کمک می‌کند. در جوامع مدرن، زنان به‌دنبال ایجاد یک زندگی مستقل و موفق هستند و این موضوع به انتخاب زندگی مجردی منجر می‌شود (گلدین، ۲۰۰۶). فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش به این سبک زندگی دارند. در جوامعی که ازدواج یک نهاد اساسی تلقی می‌شود، زندگی مجردی با قضاوت‌های منفی همراه است (چرلین، ۲۰۰۴). شبکه‌های اجتماعی و تأثیر دوستان و خانواده نیز می‌تواند بر نگرش افراد به این شیوه زندگی تأثیر بگذارد. حمایت‌های اجتماعی به افراد مجرد کمک می‌کند تا انتخاب‌های خود را با اطمینان بیشتری پیگیری کنند (کان و آنتونچی، ۱۹۸۰).

در سال‌های اخیر، تغییرات اجتماعی و فرهنگی زیادی در جهان رخ داده است که تأثیر عمیقی بر نگرش به زندگی مجردی داشته‌اند. این تغییرات شامل تحولات اقتصادی، تغییر در نقش‌های جنسیتی، پیشرفت‌های فناوری و تغییر در ارزش‌های اجتماعی هستند. افزایش درآمد و فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای زنان، به آن‌ها این امکان را داده است که به زندگی مجردی به‌عنوان گزینه‌ای معتبر نگاه کنند. این استقلال مالی سبب شده است زنان و مردان کمتر به ازدواج به‌عنوان تنها راه تأمین امنیت اقتصادی وابسته باشند. به‌طور خاص، تحقیقات نشان می‌دهد زنان در جوامع پیشرفته بیشتر به‌دنبال تحقق اهداف شغلی و تحصیلی هستند و این امر به افزایش تعداد زنان مجرد کمک کرده است (بیانچی و همکاران، ۲۰۱۴). تغییر در نقش‌های جنسیتی و افزایش برابری جنسیتی به کاهش فشار اجتماعی برای ازدواج و تشکیل خانواده کمک کرده است. جوانان امروزی به‌ویژه در جوامع غربی، زندگی مجردی را نشانه‌ای از استقلال و خودکفایی می‌بینند. این تغییرات به‌ویژه در میان زنان مشهود است و زندگی مجردی به‌عنوان انتخابی مثبت و معتبر پذیرفته می‌شود (گیدنز، ۲۰۱۷). پیشرفت‌های فناوری، به‌ویژه در زمینه ارتباطات، نحوه برقراری ارتباطات اجتماعی را تغییر داده است. شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های ارتباطی به افراد کمک کرده‌اند تا روابط اجتماعی را بدون نیاز به ازدواج یا وابستگی عاطفی برقرار کنند. این تغییرات به افزایش پذیرش زندگی مجردی و کاهش احساس تنهایی کمک کرده است (ترکل، ۲۰۰۱). در بسیاری از جوامع، ارزش‌های اجتماعی

درمورد خانواده و ازدواج تغییر یافته است. جوانان امروزی بیشتر به دنبال تحقق اهداف شخصی و شغلی هستند و ازدواج را اولویت اول خود نمی‌دانند. این تغییرات سبب افزایش تعداد افراد مجرد و پذیرش بیشتر این وضعیت در جامعه شده است. براساس آنچه گفته شد، هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل جنسیتی زندگی مجردی است که شامل بررسی دقیق تفاوت‌ها و شباهت‌های نگرش‌های مردان و زنان به زندگی مجردی و تأثیرات آن بر رفتارها و انتخاب‌های اجتماعی آن‌ها می‌شود؛ به‌ویژه به تحلیل این مسئله می‌پردازد که آیا نگرش‌ها تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متفاوت قرار می‌گیرند یا خیر.

۲. پیشینه پژوهش

تاج‌بخش و محمدی (۱۳۹۹) در «واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و رویگردانی از ازدواج» به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های میزان اعتقادات دینی، سطح انتظارات، لذت‌بردن از مجرد، وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی و شکاف نسلی در گرایش به زندگی مجردی تأثیر دارد. نیکخواه و همکاران (۱۳۹۶) در «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن» دریافتند متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی، دینداری، هزینه-فرصت و کلیشه‌های نقش جنسیتی با نوع نگرش به ازدواج رابطه دارد. بیشترین میزان اثرگذاری در نگرش سنتی به ازدواج مربوط به متغیر دینداری و برای نگرش مدرن به ازدواج هزینه-فرصت است. آپوستولو و مایکلیدو (۲۰۲۲) در پژوهش «چرا افراد ترجیح می‌دهند مجرد بمانند» دلایل تمایل افراد به زندگی مجردی داوطلبانه و تأثیر تجربیات گذشته در روابط عاطفی بر این انتخاب را مطالعه کردند. با توجه به اینکه نداشتن شریک عاطفی در جوامع امروزی رایج است، بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند در رابطه عاطفی نباشند. این تحقیق نشان داد زندگی مجردی داوطلبانه یک گروه همگن نیست و افراد به دلایل مختلفی به این وضعیت روی می‌آورند. در نتیجه افراد به دلیل تجربیات منفی از روابط گذشته، تصمیم به این وضعیت گرفته‌اند. در نهایت، این مطالعه به اهمیت بررسی تجربیات گذشته در شکل‌گیری انتخاب‌های عاطفی و اجتماعی افراد اشاره کرد. جنبه نوآورانه تحقیق حاضر در این است که علاوه بر مقایسه جنسیتی نگرش دانشجویان به زندگی مجردی، هم‌زمان نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی را بر نگرش دانشجویان دختر و پسر ازدواج‌نکرده دانشگاه خوارزمی در مقاطع تحصیلی مختلف را به روش پیمایش بررسی می‌کند. منظور از زندگی مجردی، شیوه‌ای از زندگی است که در آن، یک جوان ازدواج‌نکرده آگاهانه در نظر دارد مدتی را همراه یا جدا از خانواده به صورت مجردی زندگی کند، اما تصمیم قطعی برای مجردماندن ندارد. منظور از نگرش در این پژوهش، بررسی باورها، احساسات و تمایلات دانشجویان به زندگی بدون ازدواج و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر آن است. این نگرش‌ها تحت تأثیر عوامل متعدد از جمله تغییرات اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و شرایط اقتصادی قرار دارند. نگرش دانشجویان به زندگی مجردی نشان‌دهنده تغییرات عمیق در ارزش‌ها و باورهای اجتماعی است. این نگرش‌ها نه تنها بر تصمیم‌گیری‌های فردی تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند بر ساختارهای اجتماعی و الگوهای خانوادگی نیز اثرگذار باشند. شناخت این نگرش‌ها برای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی ضروری است تا بتوان به نیازها و دغدغه‌های جوانان پاسخ داد. شکل‌گیری نگرش‌ها معمولاً ناشی از تعاملات اجتماعی، فرهنگ، تجربه‌های شخصی و آموزش است. این فرایند شامل شناخت ویژگی‌های اشخاص یا اشیاء، ارزیابی آن‌ها براساس ارزش‌های فرهنگی و ایجاد حساسیت روانی نسبت به آن‌ها است. در نتیجه نگرش‌ها بازتاب‌دهنده وضعیت اجتماعی فرد و گروه‌های اجتماعی‌ای هستند که او در آن قرار دارد.

۳. رهیافت نظری پژوهش

نظریهٔ نوسازی: ویلیام گود^۱ (۱۹۶۳) به بررسی تغییرات ساختاری و کارکردی در خانواده‌ها در جوامع مدرن و صنعتی می‌پردازد. وی به‌ویژه بر تأثیرات صنعتی شدن و مدرنیزاسیون بر الگوهای خانواده و ازدواج تأکید دارد. گود در *انقلاب جهانی و الگوهای خانواده* توضیح می‌دهد چگونه خانواده‌های سنتی به تدریج به سمت خانواده‌های هسته‌ای و فردگرا تغییر می‌کنند. همچنین روابط بین همسران و همچنین روابط بین والدین و فرزندان در خانواده‌های صنعتی به سمت برابری بیشتر پیش می‌رود. ویلیام گود به تغییرات در الگوهای ازدواج اشاره و پیش‌بینی می‌کند انتخاب همسر به جای انتخاب‌های مبتنی بر منافع خانوادگی یا کنترل والدین به سمت انتخاب‌های مبتنی بر سازگاری و عشق پیش برود. همچنین با تغییرات فرهنگی و اجتماعی، نرخ ازدواج در جوامع مدرن کاهش می‌یابد و افراد به تأخیر در ازدواج و انتخاب زندگی مجردی تمایل بیشتری پیدا می‌کنند. گود به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر خانواده و ازدواج نیز توجه دارد. او معتقد است فرایند مدرنیزاسیون موجب می‌شود خانواده‌ها به تدریج الگوهای غربی را در زمینه‌های ازدواج و خانواده پذیرا شوند. تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها به خانواده و ازدواج نیز عاملی کلیدی در تحولات خانواده محسوب می‌شود. گود به بررسی پیچیدگی‌های زندگی مجردی جوانان و تأثیرات جنسیتی آن می‌پردازد. او به‌ویژه تأکید می‌کند که نوسازی نه تنها به تغییرات اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود، بلکه بر هویت، روابط اجتماعی و تجربیات فردی جوانان نیز تأثیر عمیقی دارد. نوسازی به تغییرات بنیادینی در نقش‌های جنسیتی منجر شده است. در گذشته، نقش‌های جنسیتی معمولاً مشخص و محدود بودند، اما با پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی، جوانان به دنبال استقلال و هویت فردی هستند. گود بیان می‌کند که زندگی مجردی به عنوان یک انتخاب فردی، به جوانان این امکان را می‌دهد که از انتظارات سنتی خانوادگی و اجتماعی فاصله بگیرند. جوانان می‌توانند نقش‌های جدیدی را تجربه و به عنوان فردی مستقل و خودمختار عمل کنند. این تغییر به‌ویژه برای زنان اهمیت دارد؛ چرا که آن‌ها اکنون می‌توانند بدون نیاز به ازدواج به تحصیلات و کار بپردازند (گیدنز، ۱۹۹۱). گیدنز معتقد است زندگی مجردی به جوانان فرصتی برای کشف هویت‌های جدید می‌دهد. این دوره به آن‌ها اجازه می‌دهد تا از فشارهای اجتماعی و خانوادگی خارج شوند و به بررسی خواسته‌ها و نیازهای خود بپردازند. جوانان در این دوره می‌توانند با تجربیات مختلفی از جمله سفر، تحصیل در خارج و ارتباطات اجتماعی متنوع روبه‌رو شوند. نوسازی همچنین به تغییرات اقتصادی و فرهنگی منجر شده است که بر زندگی مجردی جوانان تأثیر می‌گذارد. جوانان امروزی به راحتی به آموزش و فرصت‌های شغلی دسترسی دارند و می‌توانند زندگی خود را براساس ارزش‌ها و اولویت‌های شخصی شکل دهند. زنان می‌توانند در مشاغل مختلف فعالیت کنند و به استقلال مالی دست یابند. ارزش‌های فرهنگی نیز به نفع زندگی مجردی تغییر کرده است. در گذشته، ازدواج تنها مسیر موفقیت اجتماعی تلقی می‌شد، اما امروزه جوانان می‌توانند زندگی مجردی را به عنوان یک سبک زندگی معتبر و مطلوب در نظر بگیرند. اگرچه زندگی مجردی می‌تواند فرصتی برای رشد فردی باشد، اما چالش‌هایی نیز به همراه دارد. جوانان با احساس تنهایی، فشارهای اقتصادی و عدم حمایت اجتماعی مواجه می‌شوند. این چالش‌ها بر تجربیات زندگی مجردی تأثیرگذار است.

نظریهٔ گذار دوم جمعیتی^۲: یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در سطح خانواده در ارتباط با گذار جمعیتی دوم، لستهاق (۲۰۱۰) و ون دکا (۱۹۸۶) بر آن تأکید می‌کنند، افزایش چشمگیر زوج‌زیستی در جوامع پسامدرن است که زنان حق انتخاب سبک زندگی‌شان را پیدا کرده‌اند. بسیاری از زنان در این جوامع در انتخاب سبک زندگی‌شان، اشتغال حرفه‌ای را بر فرزندپروری ترجیح می‌دهند (سرای،

1. William Goode

2. Second Demographic Transition

۱۳۸۷: ۱۲۵). تغییر از خانواده‌گرایی به فردگرایی، تغییر از کنترل خانواده به استقلال جوانان، تغییر از ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج‌های براساس عشق و انتخاب، تغییر از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، تغییر از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل‌شده، افزایش جنبش‌های فمینیستی با تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان، هم در خانواده و هم در عرصه عمومی از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است. براساس نظریه‌های جهانی‌شدن، خانواده همراه با دیگر اجزا و عناصر جوامع در سرتاسر جهان تحت تأثیر جهانی‌شدن تغییر یافته است. جهانی‌شدن ساختار و کارکرد خانواده امروزی را دگرگون کرده است، خانواده گسترده را به خانواده هسته‌ای مدرن و حتی خانواده متکثر پسامدرن تبدیل کرده و الگوهای خانواده را به شدت دگرگون و متنوع ساخته است (سرای و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷). این نظریه به تحلیل تغییرات عمیق در الگوهای جمعیتی و اجتماعی در جوامع مدرن می‌پردازد. اینگلههارت در این نظریه عواملی را بررسی می‌کند که به تغییرات اساسی در رفتارهای جمعیتی، از جمله ازدواج، زادولد و زندگی مجردی منجر می‌شود. یکی از بنیادهای این نظریه، تغییر در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به‌خصوص فردگرایی و تأکید بر خودمختاری و استقلال به‌عنوان ارزش‌های مرکزی در جوامع مدرن است. این تغییرات فرهنگی سبب کاهش تمایل به ازدواج در سنین پایین و افزایش تمایل به زندگی مجردی می‌شود (اینگلههارت و بیکر، ۲۰۰۰).

نظریه دگرگونی ارزشی اینگلههارت^۱: اینگلههارت در نظریه دگرگونی ارزشی خود، به بررسی تغییرات فرهنگی و اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر نگرش‌های فردی می‌پردازد. او معتقد است ارزش‌ها به‌عنوان مؤلفه‌هایی کلیدی در شکل‌گیری رفتارها و نگرش‌ها عمل می‌کنند و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند مدرنیزاسیون، جهانی‌سازی و تغییرات اقتصادی قرار می‌گیرند. زندگی مجردی به‌عنوان یک انتخاب سبک زندگی، به‌ویژه در میان زنان، در جوامع مدرن‌تر بسیار پذیرفته شده است. این تغییر نگرش به چندین عامل بستگی دارد. با ورود زنان به عرصه‌های حرفه‌ای و تحصیلات عالی، آن‌ها توانسته‌اند استقلال مالی بیشتری کسب کنند و می‌توانند زندگی مجردی را به‌عنوان گزینه‌ای معتبر انتخاب کنند. اینگلههارت به این نکته اشاره می‌کند که جوامع مختلف نگرش‌های متفاوتی به زندگی مجردی دارند. در جوامع مدرن، فردگرایی به‌عنوان یک ارزش کلیدی شناخته می‌شود. این تغییر در ارزش‌ها به زنان این امکان را می‌دهد که زندگی مجردی را انتخابی شخصی و مستقل بدانند. زندگی مجردی به زنان این امکان را می‌دهد که بر اهداف شخصی و حرفه‌ای خود تمرکز کنند و از وابستگی به دیگران فاصله بگیرند. این احساس استقلال به افزایش رضایت از زندگی و کاهش فشارهای اجتماعی منجر می‌شود. پذیرش زندگی مجردی به‌عنوان یک انتخاب معتبر به تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی به نفع برابری جنسیتی و افزایش حقوق زنان می‌انجامد. با این حال زندگی مجردی با چالش‌هایی مانند انزوا نیز همراه است. این چالش‌ها نیاز به حمایت اجتماعی و زیرساخت‌های مناسب را افزایش می‌دهد.

نظریه نقش‌های جنسیتی: نظریه نقش‌های جنسیتی به بررسی چگونگی شکل‌گیری، تداوم و تغییر نقش‌های اجتماعی مرتبط با جنسیت و نیز تحلیل انتظارات اجتماعی، هنجارها و ساختارهای فرهنگی‌ای می‌پردازد که رفتارها و هویت‌های جنسیتی را شکل می‌دهند. موضوع نظریه نقش‌های جنسیتی این است که چگونه جامعه برای هر جنس، انتظارات و نقش‌های خاصی را تعیین می‌کند. این نقش‌ها می‌تواند شامل وظایف خانوادگی، شغلی و اجتماعی باشد و بر رفتارها، علایق و هویت افراد تأثیر بگذارد (ایگلی و وود، ۱۹۹۹). نقش‌های جنسیتی مجموعه‌ای از رفتارها، انتظارات و ویژگی‌های اجتماعی است که به‌طور خاص به مردان و زنان نسبت داده می‌شود. این نقش‌ها تحت تأثیر فرهنگ، تاریخ و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرند و براساس انتظارات جامعه از هر جنس تعیین می‌شوند. نقش‌های جنسیتی شامل رفتارهایی هستند که افراد به‌عنوان مرد یا زن از خود نشان می‌دهند. این رفتارها معمولاً در

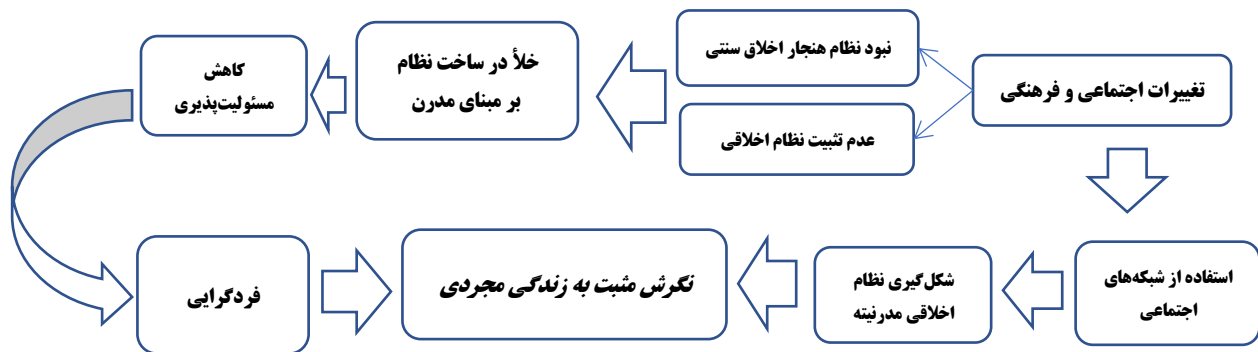
دوران کودکی شکل می‌گیرند و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند خانواده، رسانه‌ها و گروه‌های همسالان قرار دارند. این نظریه نه تنها به درک رفتارهای فردی کمک می‌کند، بلکه به تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی‌ای می‌پردازد که این رفتارها را شکل می‌دهند. نظریه نقش‌های جنسیتی به‌ویژه در علوم اجتماعی، روان‌شناسی و مطالعات جنسیتی اهمیت دارد و به درک عمیق‌تری از رفتارهای انسانی و روابط اجتماعی کمک می‌کند. نظریه نقش‌های جنسیتی ریشه‌های عمیقی در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی دارد. یکی از نظریه‌پردازان کلیدی در این زمینه، آلفرد کینزی است که معتقد است نقش‌های جنسیتی به رفتارها، انتظارات و مسئولیت‌هایی اطلاق می‌شود که جامعه برای هر جنس تعیین می‌کند. این نقش‌ها می‌توانند شامل ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها و فعالیت‌هایی باشند که به‌طور خاص برای مردان یا زنان در نظر گرفته می‌شوند (ایگلی و وود، ۱۹۹۹).

نقش‌های جنسیتی از طریق فرایندهای اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند. خانواده اولین جایی است که کودکان نقش‌های جنسیتی را یاد می‌گیرند. والدین از طریق رفتارها و انتظارات خود، الگوهایی را برای فرزندانشان تعیین می‌کنند. در مدارس، معلمان و همکلاسی‌ها نیز می‌توانند نقش‌های جنسیتی را تقویت کنند. رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به تصورات عمومی درباره جنسیت دارند. تبلیغات، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی معمولاً تصویر خاصی از زنان و مردان ارائه می‌دهند که بر انتظارات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. نقش‌های جنسیتی می‌توانند به چندین بعد تقسیم شوند. این ابعاد شامل مسئولیت‌های خانه‌داری، تربیت فرزندان و تأمین مالی است. در بسیاری از جوامع، زنان به‌عنوان مراقبان اصلی خانواده و مردان به‌عنوان تأمین‌کنندگان مالی شناخته می‌شوند. در بازار کار نیز نقش‌های جنسیتی بر انتخاب شغل، پیشرفت شغلی و نوع تعاملات در محیط کار تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال، زنان ممکن است به مشاغل مرتبط با مراقبت و خدمات اجتماعی گرایش پیدا کنند؛ درحالی‌که مردان به مشاغل فنی و مدیریتی تمایل دارند (دیکمن و ایگلی، ۲۰۰۰). نقش‌های اجتماعی نیز شامل رفتارهای اجتماعی، دوستی‌ها و روابط عاشقانه است. انتظارات اجتماعی می‌توانند بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر تأثیر بگذارند و به ایجاد الگوهای خاصی از رفتار منجر شوند (ریچ‌وی، ۲۰۱۱). نظریه نقش‌های جنسیتی به ما کمک می‌کند تا درک کنیم چگونه انتظارات اجتماعی و فرهنگی می‌توانند بر انتخاب‌ها و احساسات افراد مجرد تأثیر بگذارند. این نظریه نه تنها به تحلیل چالش‌ها و فشارهای اجتماعی می‌پردازد، بلکه به فرصت‌ها و تجربیات مثبت زندگی مجردی نیز توجه دارد.

در تبیین چرایی گرایش افراد به زندگی مجردی نظریات گوناگونی مطرح شده‌اند که هر کدام با تأکید بر متغیرها و مفاهیم مورد استفاده، این پدیده را توضیح می‌دهند. برخی از نظریه‌پردازان بر عوامل اجتماعی در تأخیر در ازدواج اشاره دارند. براساس نظریه نوسازی، ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آن‌ها را مشخص کند تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. مدرنیته مانند شمشیری دولبه است. تحول نهادهای اجتماعی مدرن و گسترش جهانی آن‌ها، در مقایسه با نظام پیشامدرن، امکانات بسیار بیشتری را برای برخورداری از یک زندگی ایمن و خوشایند برای انسان آفریده است، اما روی دیگری نیز دارد که در قرن کنونی بسیار آشکار شده است. گسترش بی‌اعتمادی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحراف اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار تزلزل کرده است؛ بنابراین وقتی افراد جامعه به یکدیگر اعتماد ندارند، با احتیاط بیشتری ازدواج می‌کنند و حتی گاهی از این امر انصراف می‌دهند.

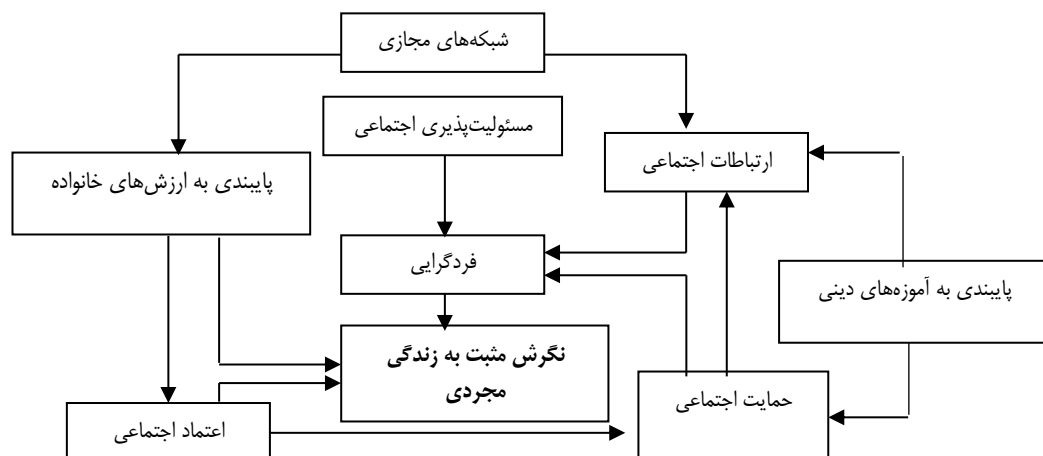
در بیشتر کشورهای دنیا، الگوی ازدواج از شکل سنتی به مدرن تغییر کرده است. مشخصه ویژه این تحول، افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی است. گرچه روند این تحول در کشورهای غربی و توسعه‌یافته سریع‌تر و میزان تغییرات زیادتر بوده، اما در غالب کشورهای درحال توسعه مثل ایران نیز این تحول مشاهده می‌شود. این پژوهش رویکرد ترکیبی دارد و مفاهیم با توجه به پیشینه‌های

موجود و نظریه‌های ذکر شده استخراج شده است. مفاهیم «فردگرایی»، «ارتباطات اجتماعی»، «اعتماد اجتماعی»، «حمایت اجتماعی» و «استفاده از شبکه‌های مجازی» از نظریه‌نوسازی اخذ شد. مفاهیم «پایبندی به آموزه‌های دینی» و «پایبندی به ارزش‌های خانواده» و «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» از نظریه‌دگرگونی ارزشی اینگلههارت و نظریه‌گذار دوم جمعیتی الهام گرفته شد، اما مفاهیم «اعتماد اجتماعی» و «حمایت اجتماعی» که به‌نوعی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند، در پیشینه تجربی نیز وجود دارند. ابتدا با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، مدل اولیه را می‌توان به صورت شکل ۱ مطرح کرد.



شکل ۱. تحلیل مفاهیم و شرایط مرتبط بر نگرش به زندگی مجردی

تغییرات اجتماعی و فرهنگی منجر به تغییراتی در حوزه نظام هنجاری و اخلاقی جامعه شده و باتوجه به نبود و یا ضعف و گسستگی در نظام برنامه‌ریزی فرهنگی در حوزه مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و در ضمن پایین آمدن کاهش مسئولیت‌پذیری در جوانان خصوصاً پسران مجرد، باعث تقویت نوعی فردگرایی شده و در ضمن استفاده از شبکه‌های اجتماعی (شبکه‌های مجازی) و شکل‌گیری نظام اخلاقی مدرن نیز به تقویت نگرش مثبت به زندگی مجردی می‌انجامد. در ادامه با توجه به مجموعه متغیرهای استخراج شده، زنجیره روابط بین این متغیرها را می‌توان به صورت شکل ۲ بیان کرد.



شکل ۲. مدل نظری تحقیق (شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر نگرش مثبت به زندگی مجردی)

درمجموع با توجه به تمامی پارامترهای فوق می‌توان گفت عوامل مذکور بر نگرش به زندگی مجردی مؤثرند.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر در قالب پارادایم اثباتی و راهبرد قیاسی و به‌لحاظ اجرا کمی (پیمایشی) است که در آن از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شد. برای اعتبار و پایایی ابزار تحقیق، ابتدا پرسشنامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و نظر صاحب‌نظران و کارشناسان خبره، اعتبار صوری ابزار تحقیق به‌دست آمد. در ضمن، در دو مرحله رفت‌و برگشت به میدان تحقیق، پیش‌آزمون با هدف شناخت از رسایی گویه‌ها و فهم مشترک پاسخگویان از سؤالات پرسشنامه و محاسبه همبستگی درونی بین سنجه‌ها در جهت سنجش متغیرها اجرا شد. به این ترتیب گویه‌هایی که همبستگی کمتری داشتند، حذف و اصلاح و در مواردی گویه‌های متناسب دیگری جایگزین آن‌ها شدند. درنهایت در مراجعه دوم با تکمیل ۲۰ پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ برای به‌دست‌آوردن میزان پایایی ابزار تحقیق استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه خوارزمی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۰۰ نفر دانشجو (از هر جنس ۱۵۰ نفر) در دانشگاه خوارزمی در سال ۱۴۰۲ پرسشنامه را تکمیل کردند. شیوه نمونه‌گیری، احتمالی چندمرحله‌ای (به‌صورت طبقه‌بندی‌شده و تصادفی) بود. برای انتخاب دانشکده‌ها و مقاطع تحصیلی از اصل نسبت و برای انتخاب افراد نمونه از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده و سیستماتیک استفاده شد. شایان ذکر است تحلیل داده‌های پرسشنامه با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ انجام گرفت و داده‌ها در سطح توصیفی و استنباطی بررسی شدند.

نتایج آلفای کرونباخ نشان می‌دهد متغیر نگرش به زندگی مجردی آلفای مورد قبول دارد. همچنین متغیرهای حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، پایبندی به آموزه‌های دینی، پایبندی به ارزش‌های خانواده، فردگرایی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و استفاده از شبکه‌های مجازی دارای آلفای قابل قبول هستند.

براساس پشتیبان‌های نظری، این تحقیق شامل هشت فرضیه است که بعد از تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق و گزارش آلفای کرونباخ، به آزمون فرضیات پرداخته شده است. شایان ذکر است گویه‌های سازنده این متغیرها محقق ساخته بوده است.

جدول ۱. تعداد گویه‌ها و مقدار آلفای کرونباخ متغیرها

نام متغیر	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
نگرش به زندگی مجردی (متغیر وابسته)	۲۲	۰/۷۹۹
حمایت اجتماعی	۲۴	۰/۸۹۵
اعتماد اجتماعی	۳۰	۰/۸۸۷
پایبندی به آموزه‌های دینی	۱۷	۰/۹۳۴
پایبندی به ارزش‌های خانواده	۱۵	۰/۸۳۰
فردگرایی	۱۰	۰/۷۷۳
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱۲	۰/۷۷۸
استفاده از شبکه‌های مجازی	۱۴	۰/۷۰۵
آلفای کل	-	۰/۹۴۰

۵. یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های توصیفی، ابتدا به توصیف متغیرهای زمینه‌ای و بعد از آن آزمون فرضیات پرداخته شد. سپس با استفاده از رگرسیون چندمتغیره، متغیرهای اثرگذار پیش‌بینی شدند و با تکنیک تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (نگرش به زندگی مجردی) به تفکیک جنس مطالعه شد.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی نمونه تحقیق برحسب متغیرهای زمینه‌ای

جنس				متغیر سطوح	
مرد		زن			
۱۵۰		تعداد ۱۵۰			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۴۰/۷	۶۱	۴۹/۳	۷۴	۱۹-۲۲	گروه سنی
۲۸	۴۲	۳۵/۳	۵۳	۲۳-۲۶	
۳۱/۴	۴۷	۱۵/۳	۲۳	۲۷-۳۰	
۵۶/۰	۸۴	۶۱/۳	۹۲	کارشناسی	مقطع تحصیلی
۳۵/۳	۵۳	۳۴/۷	۵۲	کارشناسی ارشد	
۸/۷	۱۳	۴/۰	۶	دکتری	

با توجه به جدول ۱ تقریباً نیمی از پسران و دختران ۱۹ تا ۲۲ سال دارند. همچنین دوسوم دانشجویان پسر و دختر در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کنند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی تحقیق برحسب نگرش دختران به زندگی مجردی

جنس					
مرد		زن			
۱۵۰		تعداد ۱۵۰			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	سطوح	
۱۴/۷	۲۲	۲۷/۲	۴۰	موافق	نگرش به زندگی مجردی
۴۱/۳	۶۲	۴۲/۲	۶۲	بینابین	
۴۴/۰	۶۶	۳۱	۴۸	مخالف	

طبق جدول ۳، ۴۸ درصد دختران و ۴۴ درصد پسران با زندگی مجردی مخالف هستند. به عبارتی، تقریباً نیمی از دختران و بیش از یک‌سوم پسران با زندگی مجردی مخالفت دارند. بیش از یک‌سوم پسران و دختران درمورد زندگی مجردی، نظر بینابین دارند. نزدیک به یک‌سوم دختران و تقریباً ۱۵ درصد پسران مورد بررسی با زندگی مجردی موافق‌اند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصدی تحقیق برحسب متغیرهای مستقل به تفکیک جنس

متغیر		جنس		سطوح	
		مرد	زن		
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ارتباطات اجتماعی	ضعیف	۲۳	۱۵/۳	۳۹	۲۶/۰
	متوسط	۸۴	۵۶/۰	۶۸	۴۵/۳
	قوی	۴۳	۲۸/۷	۴۳	۲۸/۷
پایبندی به آموزه‌های دینی	کم	۵۰	۳۳/۳	۵۲	۳۴/۷
	متوسط	۴۸	۳۲/۰	۵۱	۳۴/۰
	زیاد	۵۲	۳۴/۷	۴۷	۳۱/۳
پایبندی به ارزش‌های خانواده	ضعیف	۲۶	۱۷/۴	۲۳	۱۵/۴
	متوسط	۷۸	۵۲/۳	۸۰	۵۳/۷
	قوی	۴۶	۳۰/۲	۴۷	۳۰/۹
اعتماد اجتماعی	پایین	۴۴	۲۹/۳	۳۷	۲۴/۷
	متوسط	۴۷	۳۱/۳	۴۹	۳۲/۷
	بالا	۵۹	۳۹/۳	۶۴	۴۲/۷
حمایت اجتماعی	ضعیف	۵۴	۳۶/۰	۴۴	۲۹/۳
	متوسط	۵۱	۳۴/۰	۵۳	۳۵/۳
	قوی	۴۵	۳۰/۰	۵۳	۳۵/۳
فردگرایی	پایین	۵۱	۳۴/۰	۵۶	۳۷/۳
	متوسط	۴۶	۳۰/۷	۳۹	۲۶/۰
	بالا	۵۳	۳۵/۳	۵۵	۳۶/۷
استفاده از شبکه‌های مجازی	کم	۷۳	۴۸/۷	۵۱	۳۴/۰
	متوسط	۲۷	۱۸/۰	۴۹	۳۲/۷
	زیاد	۵۰	۳۳/۳	۵۰	۳۳/۳
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	پایین	۴۷	۳۱/۳	۴۹	۳۲/۷
	متوسط	۴۹	۳۲/۷	۵۳	۳۵/۳
	بالا	۵۴	۳۶/۰	۴۸	۳۲/۰

مطابق جدول ۴، ارتباطات اجتماعی زنان در سطح متوسط بیشتر است، اما در سطوح ضعیف و قوی، درصدها تقریباً برابر است. پایبندی به آموزه‌های دینی در میان زنان کمی بیشتر از مردان است؛ درحالی‌که مردان در این شاخص ضعیف‌تر هستند. متغیر اعتماد اجتماعی در مردان بیشتر از زنان است. در زمینه حمایت اجتماعی مردان از زنان پیشی گرفته‌اند. مقایسه فردگرایی در بین دو جنس نشان می‌دهد زنان در سطوح پایین و بالا کمی بیشتر متمایل به فردگرایی هستند. زنان در سطح متوسط فردگرایی از مردان پیشی

گرفته‌اند. هر دو جنس از شبکه‌های مجازی استفاده زیادی می‌کنند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی زنان در سطح بالا کمی بیشتر از مردان است، اما تفاوت زیادی در سطوح متوسط و پایین وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون مقایسه‌ای دومتغیره برای تفاوت میان متغیرهای مستقل و نگرش به زندگی مجردی

فرضیه	جنس	تعداد مشاهدات	میانگین نگرش به زندگی مجردی	کمیت تی	سطح معناداری
جنس و نگرش به زندگی مجردی	زن	۱۵۰	۷۰/۳۹	۳/۵۷۵	۰/۰۰۱
	مرد	۱۵۰	۷۳/۵۶		

با توجه به نتایج جدول ۵ بین جنس و نگرش به زندگی مجردی رابطه معناداری وجود دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نگرش مثبت به زندگی مجردی در پسران بیشتر از دختران است. بازه نمرات نگرش به زندگی مجردی ۲۲ تا ۱۱۰ و میانگین مفروض آن ۶۶ است. نمرات میانگین بین دو جنس زن و مرد از میانگین مفروض بیشتر است.

بررسی تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر بر متغیر وابسته نگرش به زندگی مجردی در بین دانشجویان دختر

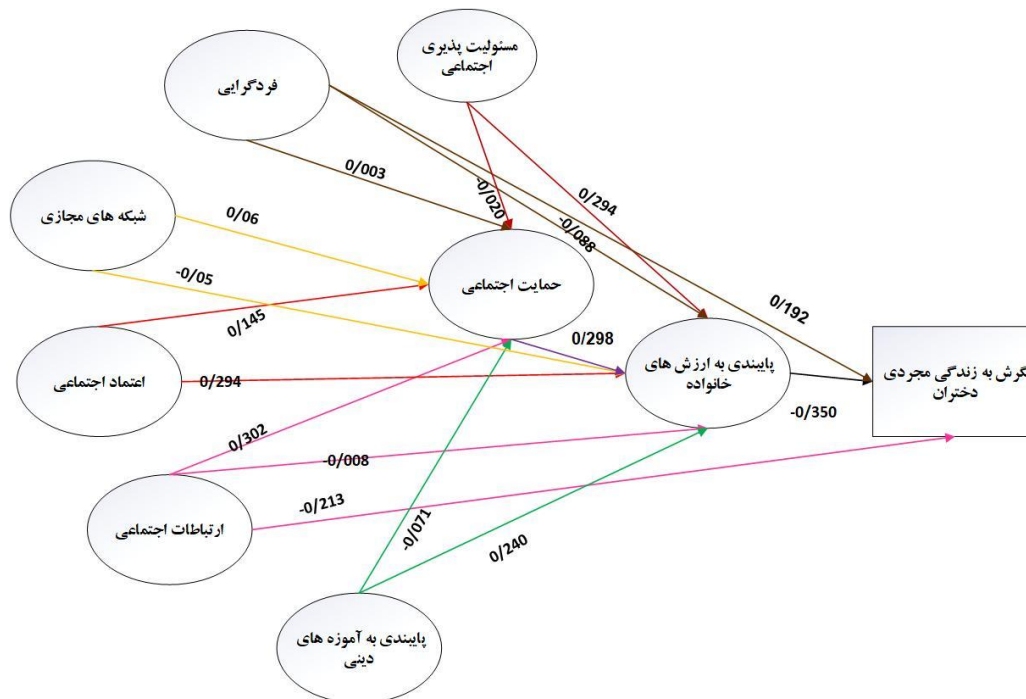
جدول ۶. آماره‌های تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر نگرش به زندگی مجردی دانشجویان دختر و متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون

آماره‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تبیین (R^2)	کمیت اف (F)	سطح معناداری
	۰/۴۵۴	۰/۳۶۱	۴/۵۶۸	۰/۰۰۱
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده	خطای استاندارد	کمیت تی (T)	سطح معناداری
عدد ثابت	۸۰/۰۱۲	۸/۳۹۰	۹/۵۳۷	۰/۰۰۱
فردگرایی	۰/۳۶۷	۱/۱۴۲	۲/۵۷۴	۰/۰۱۱
پایبندی به ارزش‌های خانواده	-۰/۳۶۵	۰/۰۸۰	-۴/۵۴۰	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-۰/۱۵۷	۰/۱۶۱	-۰/۹۷۰	۰/۳۳۴
اعتماد اجتماعی	-۰/۰۲۶	۰/۱۶۹	-۰/۳۷۸	۰/۷۰۶
پایبندی به آموزه‌های دینی	-۰/۰۱۷	۰/۰۵۲	-۰/۳۳۱	۰/۷۴۱
ارتباطات اجتماعی	-۰/۳۸۶	۰/۱۴۵	-۲/۶۷۰	۰/۰۰۱
حمایت اجتماعی	-۰/۰۶۳	۰/۰۶۵	-۰/۹۶۳	۰/۳۳۷
استفاده از شبکه‌های مجازی	۰/۰۳۷	۰/۱۴۸	۰/۲۵۱	۰/۸۰۲

طبق نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره در جدول ۶ می‌توان گفت ۳۶ درصد نگرش به زندگی مجردی در بین دانشجویان دختر، توسط مجموع متغیرهای واردشده به معادله تبیین می‌شود. در بین متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته، متغیر پایبندی به ارزش‌های خانواده با ضریب بتای ۰/۳۵۰- مهم‌ترین متغیر پیش‌بین بر نگرش به زندگی مجردی است. متغیر ارتباطات اجتماعی نیز با ضریب بتای ۰/۲۱۳- بر نگرش به زندگی مجردی تأثیر مستقیم دارد و بر آن اثرگذار است.

درمجموع، می‌توان گفت مهم‌ترین متغیر پیش‌بین و اثرگذار مستقیم بر نگرش دختران، پایبندی به ارزش‌های خانواده و سپس ارتباطات است، اما مهم‌ترین متغیر پیش‌بین و اثرگذار بر نگرش پسران به زندگی مجردی به‌ترتیب فردگرایی، عدم مسئولیت‌پذیری

اجتماعی و استفاده از شبکه‌های مجازی بوده است. متغیر وابسته میانی اول در دختران پابندی به ارزش‌های خانواده با ضریب بتای $0/۳۵۰$ - و متغیر وابسته میانی دوم حمایت اجتماعی با ضریب بتای $0/۲۹۸$ است.



شکل ۳. تحلیل مسیر تأثیر متغیرهای مستقل بر نگرش به زندگی مجردی دختران

جدول ۷. میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نگرش به زندگی مجردی دختران

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
فردگرایی	$0/۱۹۲$	$0/۰۲۷$	$0/۲۱۹$
پابندی به ارزش‌های خانواده	$-0/۳۵۰$	-	$-0/۳۵۰$
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-	$-0/۰۷۸$	$-0/۰۷۸$
حمایت‌های اجتماعی	-	$-0/۱۰$	$-0/۱۰$
اعتماد اجتماعی	-	$0/۱۱$	$0/۱۱$
ارتباطات اجتماعی	$-0/۳۱۳$	$-0/۱۸$	$-0/۳۹۳$
پابندی به آموزه‌های دینی	-	$-0/۰۷$	$-0/۰۷$
استفاده از شبکه‌های مجازی	-	$0/۰۰۴$	$0/۰۰۴$

نکته: در محاسبه حاصل ضرب و حاصل جمع اثرات غیرمستقیم قواعد ریاضی مرتبط در نظر گرفته شده است.

متغیرهای بیرونی^۱ این معادله مدل تحلیل مسیر مربوط به دختران عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، استفاده از شبکه‌های مجازی، فردگرایی و پابندی به آموزه‌های دینی.

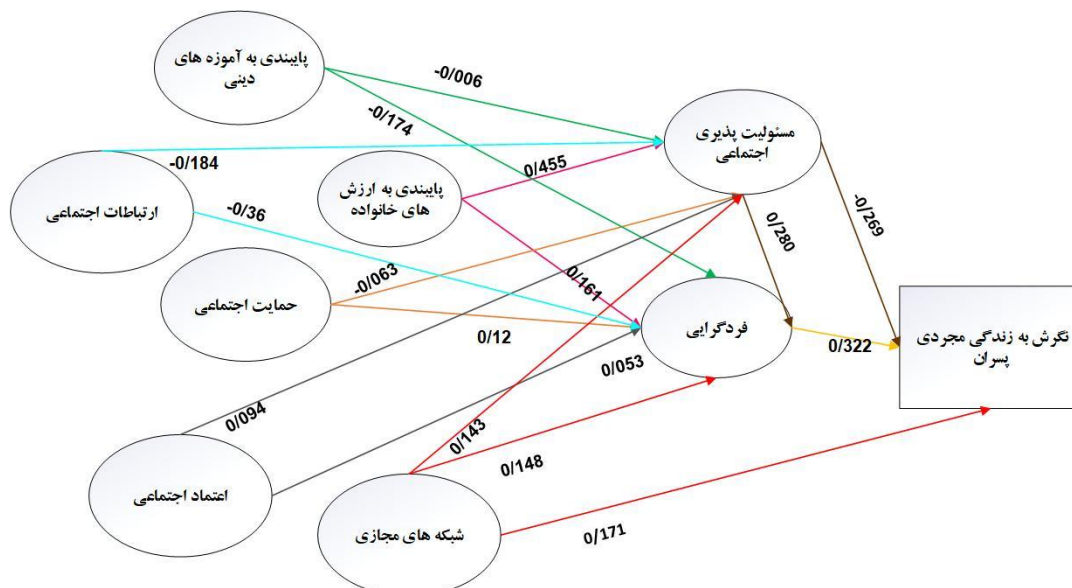
بررسی تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر بر متغیر وابسته نگرش به زندگی مجردی در بین دانشجویان پسر

جدول ۸. آماره‌های تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر نگرش به زندگی مجردی دانشجویان پسر و متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون

آماره‌ها	ضریب همبستگی		ضریب تبیین (R^2)		کمیت اف	سطح معنی‌داری
	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده		خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	کمیت تی	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۰/۴۲۱	۰/۴۰	-	۳/۸۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
فردگرایی	۰/۵۵۴	۰/۱۴۱	۰/۳۲۲	۳/۹۱۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
پابندی به ارزش‌های خانواده	-۰/۰۵۶	۰/۱۱۰	-۰/۰۵۵	-۰/۵۰۹	۰/۶۱۲	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-۰/۴۷۲	۰/۱۴۳	-۰/۲۶۹	-۳/۲۹۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	-۰/۰۷۴	۰/۰۶۰	-۰/۱۱۷	-۱/۲۳۵	۰/۲۱۹	۰/۰۰۱
پابندی به آموزه‌های دینی	۰/۰۰۸	۰/۰۴۹	۰/۰۱۶	۰/۱۶۴	۰/۸۷۰	۰/۰۰۱
ارتباطات اجتماعی	۰/۱۲۶	۰/۱۱۴	۰/۰۹۵	۱/۱۱۲	۰/۲۶۸	۰/۰۰۱
حمایت اجتماعی	۰/۰۷۸	۰/۰۵۷	۰/۱۲۹	۱/۳۷۹	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱
استفاده از شبکه‌های مجازی	۰/۳۱۴	۰/۱۴۲	۰/۱۷۱	۲/۲۱۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱

طبق نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره در جدول ۸ می‌توان گفت ۳۳ درصد نگرش به زندگی مجردی در بین دانشجویان پسر مورد بررسی توسط مجموع متغیرهای واردشده به معادله تبیین شده است. در بین متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته، متغیر فردگرایی با ضریب بتای ۰/۳۲۲ مهم‌ترین متغیر پیش‌بین (تأثیرگذار) و سپس متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و استفاده از شبکه‌های مجازی به‌ترتیب با ضریب بتای ۰/۲۶۹، ۰/۱۷۱ بر نگرش به زندگی مجردی تأثیر مستقیم دارد و بر آن اثرگذار است. متغیر وابسته میانی اول در پسران فردگرایی با ضریب بتای ۰/۳۲۲ و متغیر وابسته میانی دوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۸۰ است.

۱. متغیرهای بیرونی، متغیرهایی هستند که به عنوان متغیر وابسته وارد معادله نشده‌اند و تأثیر رگرسیونی سایر متغیرها بر آن‌ها محاسبه نشده است.



شکل ۴. تحلیل مسیر تأثیر متغیرهای مستقل بر نگرش به زندگی مجردی پسران

جدول ۹. میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نگرش به زندگی مجردی پسران

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
فردگرایی	۰/۳۲۲	-	۰/۳۲۲
مسئولیت پذیری اجتماعی	-۰/۲۶۹	۰/۰۹	-۰/۱۷
استفاده از شبکه های مجازی	۰/۱۷۱	۰/۰۵	۰/۲۲۱
حمایت های اجتماعی	-	۰/۰۳	۰/۰۳
پایبندی به ارزش های خانواده	-	۰/۰۹	۰/۰۹
پایبندی به آموزه های دینی	-	۰/۰۵	۰/۰۵
اعتماد اجتماعی	-	۰/۰۲	۰/۰۲
ارتباطات اجتماعی	-	۰/۰۵	۰/۰۵

نکته: در محاسبه حاصل ضرب و حاصل جمع اثرات غیرمستقیم قواعد ریاضی مرتبط در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است که تمامی ضرایب منفی نشان از اثرات کاهنده و ضرایب مثبت نشان از اثرات افزایش دهنده دارد.

جدول های ۷ و ۹ به مقایسه میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و اثرات کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نگرش به زندگی مجردی در بین دختران و پسران می پردازد. با توجه به جدول ۷ در بین دانشجویان دختر می توان گفت متغیر پایبندی به ارزش های خانواده با ضریب بتای $-۰/۳۶$ و در بین فردگرایی پسران با ضریب $۰/۳۲۲$ تنها متغیر بلافصل اثرگذار بر متغیر وابسته است و اثر آن بر متغیر نگرش به زندگی مجردی در بین هردو گروه دختران کاهنده و پسران به صورت افزایش دهنده است. متغیر حمایت اجتماعی نیز در دختران $-۰/۱۰$ و در پسران $۰/۰۳$ اثر افزایش دهنده و مستقیمی بر نگرش آن ها به زندگی مجردی دارد.

نکته قابل تأمل آن است که ضریب بتای استفاده از حمایت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۱۰- بیشترین تأثیر را بر پابندی به ارزش‌های خانواده دارد؛ بنابراین یکی از متغیرهای مهم این بررسی، حمایت اجتماعی است که بر نگرش به زندگی مجردی در بین دختران دانشجو تأثیر غیرمستقیم گذاشته است. با در نظر گرفتن اثر کل می‌توان گفت متغیرهای پابندی به ارزش‌های خانواده و ارتباطات اجتماعی به ترتیب با ضریب بتای ۰/۳۵۰- و ۰/۲۱۳- بیشترین تأثیر را بر نگرش به زندگی مجردی در بین دانشجویان دختر داشته است. در بین دانشجویان پسر می‌توان بیان کرد متغیر فردگرایی با ضریب بتای ۰/۳۲۲ تنها متغیر بلا فصل اثرگذار بر متغیر وابسته است که از دو متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر پذیرفته است. نکته قابل تأمل آنکه ضریب بتای مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۶۹- بیشترین تأثیر کاهنده را بر فردگرایی دارد؛ بنابراین یکی از متغیرهای مهم این بررسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که بر نگرش به زندگی مجردی در بین نمونه تحقیق تأثیر غیرمستقیم گذاشته است. با در نظر گرفتن اثر کل می‌توان گفت متغیرهای فردگرایی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و استفاده از شبکه‌های مجازی به ترتیب با ضریب بتای ۰/۳۲۲، ۰/۲۶۹- و ۰/۱۷۱- بیشترین تأثیر را بر نگرش به زندگی مجردی در بین دانشجویان پسر داشته است.

متغیرهای بیرونی این معادله مدل تحلیل مسیر مربوط به پسران عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، استفاده از شبکه‌های مجازی، پابندی به ارزش‌های خانواده و پابندی به آموزه‌های دینی.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه به تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به زندگی مجردی و عوامل اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بر آن پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد از نظر جنس، در بین نمونه تحقیق، پسران دانشجو گرایش بیشتری به تجربه زندگی مجردی دارند. در مقایسه دو جنس می‌توان اظهار کرد در بین دختران متغیر پابندی به ارزش‌های خانواده با ضریب بتای ۰/۳۵۰- تنها متغیر بلا فصل اثرگذار بر نگرش به زندگی مجردی است که از متغیر حمایت اجتماعی تأثیر پذیرفته است. شایان ذکر است ضریب بتای استفاده از حمایت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۱۰- بیشترین تأثیر را بر پابندی به ارزش‌های خانواده دارد؛ در حالی که در بین پسران، متغیر فردگرایی با ضریب بتای ۰/۳۲۲ تنها متغیر بلا فصل اثرگذار بر نگرش به زندگی مجردی پسران است که از دو متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردگرایی تأثیر پذیرفته است. همچنین ضریب بتای مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۶۹- بیشترین تأثیر را بر فردگرایی داشته است.

زندگی مجردی به عنوان مرحله‌ای از زندگی، به‌ویژه در جوامع مدرن، به موضوعی مهم تبدیل شده است. نگرش دختران و پسران به این مرحله تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. با توجه به نتایج تحقیق که رابطه بین پابندی به ارزش‌های خانواده بر نگرش به زندگی مجردی معکوس است، نظریه نقش‌های جنسیتی بیان می‌کند که هر جنس نقش‌ها و انتظارات خاصی را در جامعه برعهده دارد که بر رفتار و نگرش‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. مطابق این نظریه، خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با جنسیت دارد. در این راستا، والدین از طریق تعاملات خود با فرزندان، الگوهای رفتاری خاصی را منتقل می‌کنند که می‌تواند بر نگرش‌های آن‌ها به زندگی مجردی تأثیر بگذارد. والدین با ارائه الگوهای رفتاری و انتظارات خاص از فرزندان خود، به شکل‌گیری نگرش‌های آنان به زندگی مجردی کمک می‌کنند؛ برای مثال، مادران ویژگی‌هایی مانند مراقبت و همکاری را در دختران تقویت می‌کنند؛ در حالی که پدران بر استقلال و رقابت پسران تأکید می‌ورزند. در برخی فرهنگ‌ها، ارزش‌های خانوادگی بر نگرش دختران به زندگی مجردی تأثیر بیشتری دارد. دختران به دلیل انتظارات اجتماعی و فشارهای فرهنگی، تمایل کمتری به انتخاب زندگی مجردی دارند. نظریه نقش‌های جنسیتی به این نکته اشاره دارد که هر جنس به‌طور اجتماعی و فرهنگی نقش‌های

خاصی را ایفا می‌کند که بر رفتار و نگرش‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. مطابق این نظریه، دختران معمولاً به‌عنوان افرادی با مسئولیت‌های خانوادگی و عاطفی شناخته می‌شوند؛ درحالی‌که پسران افرادی مستقل و فعال در جامعه تلقی می‌شوند. این انتظارات اجتماعی می‌تواند بر نگرش دختران و پسران به زندگی مجردی تأثیر بگذارد. پابندی به ارزش‌های خانواده، به‌ویژه در جوامع سنتی، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارها ایفا می‌کند. در بسیاری از فرهنگ‌ها، دختران به‌دلیل انتظارات اجتماعی، به ازدواج و تشکیل خانواده تشویق می‌شوند. این امر سبب نگرش منفی به زندگی مجردی در بین دختران می‌شود؛ زیرا زندگی مجردی ممکن است با ارزش‌های خانوادگی در تضاد باشد. در مقابل، پسران معمولاً آزادی بیشتری در انتخاب سبک زندگی خود دارند و زندگی مجردی را به‌عنوان مرحله‌ای مثبت و فرصتی برای رشد شخصی و حرفه‌ای می‌بینند. چنین تفاوتی در انتظارات اجتماعی و فرهنگی می‌تواند سبب نگرش مثبت‌تر پسران به زندگی مجردی شود (مراجعة شود به کیمل، ۲۰۱۱). دختران به‌طور معمول با فشارهای اجتماعی بیشتری برای ازدواج و تشکیل خانواده مواجه هستند. این فشارها می‌تواند سبب احساس گناه یا عدم موفقیت در صورت انتخاب زندگی مجردی شود. تحقیقات نشان داده است دختران زندگی مجردی را به‌عنوان گزینه‌ای نامطلوب در نظر می‌گیرند (مراجعة شود به آرنت ۲۰۰۰؛ کیمل ۲۰۱۱)؛ زیرا این امر با انتظارات اجتماعی و نقش‌های سنتی آن‌ها در تضاد است. پسران معمولاً با انتظارات کمتری در زمینه ازدواج و خانواده‌داری روبه‌رو هستند و احتمالاً زندگی مجردی را فرصتی برای تجربه‌های جدید و رشد فردی می‌بینند. بسیاری از پسران به‌دنبال استقلال و فرصت‌های شغلی هستند که زندگی مجردی می‌تواند به آن‌ها ارائه دهد.

در تحلیل جنسیتی نگرش به زندگی مجردی می‌توان گفت نظریه نقش‌های جنسیتی، تأثیر فردگرایی بر نگرش دختران و پسران به زندگی مجردی را مطالعه می‌کند. این نظریه نشان می‌دهد چگونه انتظارات اجتماعی و فرهنگی تأثیرات متفاوتی بر نگرش‌ها و رفتارهای هر جنس ایجاد می‌کند. نظریه نقش‌های جنسیتی به بررسی انتظارات اجتماعی و فرهنگی مربوط به رفتارها و ویژگی‌های مردانه و زنانه می‌پردازد. براساس این نظریه، نقش‌ها می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد تأثیر بگذارند. در این زمینه، تأثیر فردگرایی بر نگرش دختران و پسران به زندگی مجردی می‌تواند به شکل‌های متفاوتی تحلیل شود. در جوامع مدرن، پسران معمولاً به استقلال و خودبیانگری تشویق می‌شوند. این امر می‌تواند آن‌ها را به سمت پذیرش زندگی مجردی سوق دهد؛ زیرا آن‌ها آزادی بیشتری در انتخاب سبک زندگی و تصمیم‌گیری‌های شخصی دارند. پسران تمایل بیشتری به تجربه‌گرایی و ریسک‌پذیری در روابط دارند که سبب می‌شود زندگی مجردی را فرصتی برای خودشناسی و رشد فردی ببینند. در مقابل، دختران تحت فشارهای اجتماعی بیشتری برای پیروی از انتظارات سنتی قرار می‌گیرند. جامعه دختران را به سمت ازدواج و تشکیل خانواده هدایت می‌کند که موجب می‌شود آن‌ها نگرش منفی‌تری به زندگی مجردی داشته باشند. درنتیجه، دختران احساس می‌کنند زندگی مجردی با هنجارهای اجتماعی سازگار نیست که می‌تواند به احساس تنهایی یا نارضایتی در آن‌ها منجر شود. دختران به‌طور معمول دارای نگرش‌های مثبت‌تری به زندگی مجردی هستند و آن را فرصتی برای رشد شخصی و اجتماعی می‌بینند. آن‌ها بیشتر به‌دنبال روابط غیررسمی و تجربه‌های جدید هستند که این خود به تقویت احساس استقلال و خودکفایی آن‌ها کمک می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد، نتایج این تحقیق با نتایج مطالعه تاج‌بخش و محمدی (۱۳۹۹) همسو است.

ارتباطات اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌های دختران و پسران نسبت به زندگی مجردی دارد. دختران معمولاً در شبکه‌های اجتماعی خود، تأکید بیشتری بر روابط عاطفی و خانوادگی دارند. این نوع روابط سبب می‌شود دختران زندگی مجردی را به‌عنوان مرحله‌ای موقتی و نه یک انتخاب دائمی ببینند. در مقابل، پسران به‌دنبال ایجاد دوستی‌های غیررسمی و تجربه‌های جدید

هستند. آن‌ها زندگی مجردی را فرصتی برای کاوش و تجربه‌های جدید در نظر می‌گیرند که به‌نوبه خود می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌های مثبت به زندگی مجردی منجر شود.

اعتماد اجتماعی به معنای باور به نیک‌خواهی و قابلیت دیگران است و بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر تأثیر می‌گذارد. اعتماد اجتماعی به معنای احساس امنیت و اعتماد به دیگران در جامعه است. دختران در جوامع سنتی تحت فشار بیشتری برای رعایت انتظارات اجتماعی قرار دارند. این فشار موجب کاهش اعتماد اجتماعی آن‌ها می‌شود؛ برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده است دختران از قضاوت‌های اجتماعی و انتقادات دیگران می‌ترسند و به همین دلیل نگرش منفی‌تری به زندگی مجردی دارند (کیمل، ۲۰۱۱). اینگلهارت معتقد است اعتماد اجتماعی به‌عنوان یک عامل کلیدی بر تصمیم‌گیری‌های جوانان در انتخاب سبک زندگی تأثیرگذار است. او اعتماد اجتماعی را به معنای احساس امنیت و اطمینان به دیگران و نهادهای اجتماعی تعریف می‌کند. این اعتماد به جوانان کمک می‌کند با اطمینان بیشتری به زندگی مجردی روی آورند و از انزوا هراس نداشته باشند (اینگلهارت، ۱۹۷۷). گود معتقد است اعتماد اجتماعی به‌طور معکوس بر نگرش جوانان به زندگی مجردی تأثیر می‌گذارد. افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه، به‌ویژه در بین جوانان، تمایل آنان را به ازدواج و تشکیل خانواده افزایش می‌دهد (گود، ۱۹۹۰). در جوامعی که اعتماد اجتماعی ضعیف است، گرایش به زندگی مجردی و ازدواج سفید بیشتر است. جوانانی که سرمایه فرهنگی و اعتماد اجتماعی بیشتر دارند، دارای نگرش مثبت‌تری به ازدواج هستند (گود، ۲۰۰۰ به نقل از نیک‌بخش، ۱۳۹۸). در جوامعی که اعتماد اجتماعی اندک است، زندگی مجردی مشکلات و آسیب‌های اجتماعی بیشتری به همراه دارد. افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه می‌تواند از بروز برخی آسیب‌های زندگی مجردی جلوگیری کند. در نتیجه اعتماد اجتماعی نقش مهمی در تمایل جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده دارد. در جوامعی که اعتماد اجتماعی بیشتر است، گرایش به زندگی مجردی کمتر است و برعکس. همچنین اعتماد اجتماعی از بروز برخی پیامدهای منفی زندگی مجردی جلوگیری می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد زنان معمولاً از مردان اعتماد کمتری دارند. این امر به دلیل حساسیت بیشتر زنان به خطرات اجتماعی و خیانت است. زنان در شرایطی که ریسک اجتماعی افزایش می‌یابد، اعتماد خود را کاهش می‌دهند. این رفتار می‌تواند بر نگرش آن‌ها به زندگی مجردی تأثیر بگذارد؛ زیرا زنان احساس می‌کنند در روابط غیررسمی یا مجردی بیشتر در معرض خطر قرار دارند. در مقابل، مردان معمولاً با اعتماد بیشتری به روابط نزدیک می‌شوند. این امر احتمالاً ناشی از نرمال‌سازی ریسک‌پذیری در فرهنگ‌های مردانه است که آن‌ها را تشویق می‌کند تا در روابط خود ریسک بیشتری را بپذیرند. در دنیای امروز، شبکه‌های مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم ارتباطی، نقش چشمگیری در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای جوانان ایفا می‌کنند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی به معنای احساس تعهد فرد به جامعه و دیگران است. این مفهوم شامل رفتارهایی مانند مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، حمایت از دیگران و تلاش برای ایجاد تغییرات مثبت در جامعه می‌شود. دخترانی که دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی زیادی هستند، معمولاً تمایل بیشتری به پذیرش زندگی مجردی دارند. این تمایل ناشی از احساس استقلال و قابلیت‌های فردی آن‌ها است. تحقیقات نشان داده است دخترانی که خود را مستقل می‌بینند، بیشتر به دنبال فرصت‌هایی برای رشد شخصی و حرفه‌ای هستند (ایگلی و وود، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، پسران ممکن است تحت فشارهای اجتماعی برای ورود به روابط جدی یا تشکیل خانواده قرار بگیرند. این فشارها موجب می‌شود آن‌ها نگرش منفی‌تری به زندگی مجردی داشته باشند. درواقع، برخی از پسران احتمالاً زندگی مجردی را نشانه‌ای از عدم موفقیت یا ناتوانی در ایفای نقش‌های سنتی خود می‌بینند. دختران معمولاً با انتظاراتی روبه‌رو هستند که آن‌ها را به سمت مسئولیت‌های خانوادگی و عاطفی سوق می‌دهد. این انتظارات شامل مراقبت از خانواده، ایجاد روابط عاطفی عمیق و تمایل به ازدواج است. در نتیجه، زندگی مجردی برای دختران وضعیتی موقتی و کمتر مطلوب تلقی می‌شود؛ زیرا آن‌ها احساس می‌کنند باید به‌زودی ازدواج کنند و از این‌رو، زندگی مجردی را چالشی اجتماعی در نظر بگیرند. دختران به دلیل تربیت‌های

اجتماعی و فرهنگی، معمولاً به مسئولیت‌های عاطفی و اجتماعی توجه بیشتری دارند. این ویژگی‌ها سبب می‌شود زندگی مجردی را به عنوان وضعیتی کمتر مطلوب و بیشتر به عنوان چالشی اجتماعی در نظر بگیرند؛ برای مثال، دختران احساس می‌کنند باید به خانواده و جامعه خدمت کنند و زندگی مجردی را فرصتی برای دوری از این مسئولیت‌ها ببینند. برعکس، پسران معمولاً با انتظارات کمتری در زمینه مسئولیت‌های عاطفی مواجه هستند. آن‌ها زندگی مجردی را فرصتی برای استقلال، خودکفایی و تجربه‌های جدید تلقی می‌کنند. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد زندگی مجردی را به عنوان یک انتخاب مثبت و آزاد در نظر بگیرند.

علاوه بر نقش‌های جنسیتی، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیر زیادی بر نگرش دختران و پسران به زندگی مجردی دارند. در جوامع سنتی، دختران معمولاً تحت تأثیر آموزه‌های دینی و فرهنگی، زندگی مجردی را وضعیتی غیرمطلوب یا موقت تلقی می‌کنند. آن‌ها احساس می‌کنند باید به سرعت به سمت ازدواج حرکت کنند تا انتظارات اجتماعی را برآورده سازند. این نگرش می‌تواند ناشی از فشارهای اجتماعی و فرهنگی باشد که آن‌ها را از تجربه زندگی مجردی به عنوان فرصتی برای رشد شخصی و حرفه‌ای باز می‌دارد. برعکس، پسران زندگی مجردی را فرصتی برای کشف هویت خود و تجربه آزادی بیشتری می‌بینند. آن‌ها کمتر تحت تأثیر فشار ازدواج قرار دارند و می‌توانند به راحتی به دنبال اهداف شخصی و حرفه‌ای خود بروند (کیمل، ۲۰۱۱). نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق تاج‌بخش و محمدی (۱۳۹۹) همسو است.

این مطالعه نشان می‌دهد نگرش به زندگی مجردی در بین دانشجویان به طور معناداری تحت تأثیر جنسیت قرار دارد. پابندی به ارزش‌های خانواده با ضریب بتای ۰/۳۵۰- مهم‌ترین متغیر کاهنده در نگرش مثبت به زندگی مجردی است. براین اساس دخترانی که به ارزش‌های خانوادگی پایبندترند، تمایل کمتری به مجرد شدن دارند. ارتباطات اجتماعی (با ضریب بتای ۰/۲۱۳) نیز تأثیری منفی بر نگرش دختران دارد که احتمالاً ناشی از فشارهای اجتماعی برای ایفای نقش‌های سنتی است. حمایت اجتماعی به صورت غیرمستقیم و از طریق تقویت پابندی به ارزش‌های خانواده، نگرش منفی به مجرد شدن را تشدید می‌کند. فردگرایی با ضریب بتای ۰/۳۲۲ مهم‌ترین متغیر افزایش‌دهنده در نگرش مثبت به زندگی مجردی پسران است. پسرانی که بر استقلال فردی و تصمیم‌گیری شخصی تأکید دارند، مجرد شدن را فرصتی برای رشد شخصی می‌دانند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی (با ضریب بتای ۰/۲۶۹-) اثر کاهنده دارد؛ زیرا پسرانی که احساس تعهد بیشتری به جامعه دارند، احتمالاً ازدواج را به عنوان بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی خود می‌پذیرند. استفاده از شبکه‌های مجازی (با ضریب بتای ۰/۱۷۱) نیز نگرش مثبت به مجرد شدن را افزایش می‌دهد. احتمالاً این مسئله تحت تأثیر دسترسی به الگوهای جایگزین سبک زندگی و کاهش وابستگی به روابط سنتی است. همچنین می‌توان گفت پابندی به ارزش‌های خانواده و آموزه‌های دینی در دختران اثر کاهنده قوی‌تری بر مجرد شدن دارد؛ در حالی که در پسران این تأثیر کم‌رنگ‌تر است. فردگرایی در پسران به عنوان محرک مجرد شدن عمل می‌کند، اما در دختران، جمع‌گرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نقش پررنگ‌تری در گرایش به ازدواج دارد. استفاده از شبکه‌های مجازی در هردو جنس نگرش مثبت به مجرد شدن را تقویت می‌کند، اما این اثر در پسران بارزتر است.

درمجموع امروزه شاهد ویژگی‌هایی مانند «سیالیت، تغییرپذیری مداوم و موقتی‌بودن»، «دیجیتالی‌شدن»، «مدرن‌شدن و بیرونی‌شدن الگوها» و «ترجیح نیازها و ارزش‌های روزمره در تطبیق با آرمان‌ها» هستیم. از این رو سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در این حوزه از اهمیت وافری برخوردار است؛ زیرا در جریان این منازعه فرهنگی، رقیب خارجی در فضای مجازی همواره سعی دارد با شناسایی مسائل و مشکلات داخلی، فضاهای خالی را با توجه به ارزش‌ها و تمایلات خود پر کند. به این ترتیب نبود برنامه‌ریزی فرهنگی، شرایط را برای فعالیت رقبا راحت‌تر می‌کند. در چنین شرایطی صحبت از «تهاجم فرهنگی» نیز چندان موضوعیت پیدا

نمی‌کند، بلکه منفعل بودن و در اختیار قراردادن عرصه در اختیار دیگران مطرح است؛ بنابراین باید با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی متناسب با ارزش‌های اسلامی-ایرانی، از انفعال و خنثی بودن به عرصه اجتماعی و فرهنگی کشور به‌شدت پرهیز کرد.

با توجه به عوامل تأثیرگذار بر انتخاب گرایش به تجردزیستی، در ادامه پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- تقویت حمایت اجتماعی با بهره‌گیری از ارزش‌های دینی و خانوادگی؛ در این راستا بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با جوانان (به‌صورت عام) و دانشجویان (به‌صورت خاص) در حوزه‌های مختلف سیاستی حاکی از آن است که بسیاری از اسناد و برنامه‌های ملی تدوین‌شده در حوزه‌های مختلف زندگی جوانان (به‌ویژه اسناد تخصصی و منحصرأ مرتبط با جوانان) طی دو دهه گذشته در حد نظر باقی مانده‌اند و در مقام عمل به‌وقوع نپیوسته‌اند؛
- تدوین سیاست‌هایی در جهت زدودن فقر اقتصادی و اشتغال‌سازنده و مفید برای دانشجویان، خصوصاً از طریق ارتباط بیشتر دانشگاه با جامعه و صنعت و تقویت بخش کارآفرینی دانشگاه‌ها؛
- بازنگری در سیاست‌های چگونگی آموزش و جامعه‌پذیری افراد به‌گونه‌ای که افراد در آن با درونی‌کردن صحیح ارزش‌های دینی و بومی، نوعی پایبندی عقلانی و قوی به آن را احساس کنند. به تعبیری دیگر، تعیین صحیح اهداف فرهنگی برای جامعه و اعضای آن و نهادینه‌کردن لزوم پایبندی به آن؛
- اصلاح سیستم اقتصادی جامعه با هدف تأمین حمایت اجتماعی در جهت حمایت از ازدواج؛
- تدوین اهداف و سیاست‌های فرهنگی صحیح جامعه منطبق بر ارزش‌های دینی و ملی و انطباق برنامه‌های اقتصادی و توسعه کشور بر این اهداف با هدف ترغیب به ازدواج و تشکیل خانواده؛
- تقویت نظام‌های حمایتی مبتنی بر ارزش‌های دینی و خانوادگی برای تشویق به ازدواج در بین دختران؛
- توسعه برنامه‌های مهارت‌افزایی برای پسران به‌منظور تعادل‌بخشی بین فردگرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛
- تولید محتوای فرهنگی در شبکه‌های مجازی که همسو با ارزش‌های بومی و دینی باشد تا از تقویت نگرش‌های افراطی به تجرد جلوگیری شود.

مأخذ مقاله: مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده سوم با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه خوارزمی به زندگی مجردی و عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر آن»، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی. در این مقاله تعارض منافعی وجود ندارد.

منابع

- تاج‌بخش، غلامرضا و محمدی، حانیه (۱۳۹۹). واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و رویگردانی از ازدواج. *فصلنامه جمعیت*، ۲۷ (۱۱۱-۱۱۲)، ۱۱۳-۱۳۳.
- سرای، حسن و اوچاقلو، سجاد (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی: زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، ۵ (۴)، ۴۱-۱۹. <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53139>
- نیک‌بخش، بهرام و ساکی، ریاض (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به ازدواج سفید. *نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲۱-۱. <https://doi.org/10.22067/social.2023.80178.1280>
- نیکخواه، هدایت‌اله، فانی، مریم و اصغرپورماسوله، احمدرضا (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. *جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۸ (۳)، ۹۹-۱۲۲. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.21711>
- Apostolou, M., Michaelidou, E. (2022), Why people prefer to be single: Voluntary singlehood and experiences with relationships. *Studia Psychologica: Theoria et Praxis*, 22(1), 27–35. <http://dx.doi.org/10.21697/sp.2022.22.2.03>
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55(5), 469-480. <http://dx.doi.org/10.1037//0003-066X.55.5.469>
- Bianchi, S. M. (2014). Family change and time allocation in American families. *Journal of Marriage and Family*, 76(4), 908-927. <http://dx.doi.org/10.1177/0002716211413731>
- Cherlin, A. J. (2004). The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of Marriage and Family*, 66(4), 848-861. <https://doi.org/10.1111/j.0022-2445.2004.00058.x>
- Diekmann, A. B., & Eagly, A. H. (2000). Stereotypes as dynamic constructs: Women's and men's social roles and the evolution of gender stereotypes. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26(10), 1251-1262. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0146167200262001>
- Eagly, A. H., & Wood, W. (1999). The Origins of Sex Differences in Human Behavior: Evolved Dispositions Versus Social Roles. *American Psychologist*, 54(6), 408-423. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0003-066X.54.6.408>
- Giddens, A. (2017). *Sociology*. Polity Press.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press.
- Goode, W. J. (1963). *World Revolution and Family Patterns*. The Free Press.
- Goldin, C. (2006). The quiet revolution that transformed women's employment, education, and family. *The American Economic Review*, 96(2), 1-21. <http://dx.doi.org/10.1257/000282806777212350>
- Goud, W. (2000). *Trust and social capital: The role of social networks in the formation of trust*. *Journal of Sociology*, 36(2), 123-145.
- Goud, W. (1990). The social context of trust: A sociological perspective. In: *Trust and Social Capital*". New York: Academic Press.
- Inglehart, R. (1997). *Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies*. Princeton University Press.
- Inglehart, R., & Baker, W. E. (2000). Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American Sociological Review*, 65(1), 19-51.

- Kimmel, M. S. (2011). *Guyland: The perilous world where boys become men*. Harper Collins.
- Kahn, R. L., & Antonucci, T. C. (1980). Convoys over the life course: Attachment, roles, and social support. In *Life-span development and behavior* (Vol. 3, pp. 253-286). Academic Press.
- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211-251.
- Nikbakhsh, B., & Saki, R. (2023). A sociological examination of the factors influencing young people's attitudes towards cohabitation. *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 1-21.
<https://doi.org/10.22067/social.2023.80178.1280> (In Persian)
- Nikkhah, H., Fani, M., & Asgharpour Masouleh, A. (2017). Measuring students' attitudes towards marriage and the influencing factors. *Applied Sociology: Research Journal of Humanities, Isfahan University*, 28(3), 99-122. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.21711> (In Persian)
- Ridgeway, C. L. (2011). *Framed by gender: How gender inequality persists in the modern world*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199755776.001.0001>
- Saraei, H., & Ojaghloo, S. (2013). A generational study of changing marriage values in Iran: A case study of women in Zanjan. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 5(4), 19-41.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53139> (In Persian)
- Sweeney, M. M. (2002). Two decades of family change: The shifting economic foundations of marriage. *Journal of Marriage and Family*, 64(3), 703-712.
<https://doi.org/10.1177/000312240206700107>
- Tajbakhsh, G., & Mohammadi, H. (2020). An analysis of the reasons for young people's inclination towards single life and their disaffection with marriage. *Journal of Population*, 27(111-112), 113-133. (In Persian)
- Turkle, S. (2011). *Alone together: Why we expect more from technology and less from each other*. Basic Books.
- Van de Kaa, D. J. (1987). Theories of fertility decline: A review. *Population Studies*, 41(1), 1-30.
<https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2010.00328.x>